ماجرای ملکه و دیپلمات

هفته گذشته نام دو ایرانی در خبرهای ایران و اسپانیا مطرح بود: حسن قشقاوی و سارا خادم‌الشریعه

سارا سبزی
هفت صبح

اواخر هفته گذشته نام حسن قشقاوی، سفیر ایران در اسپانیا، در صدر خبرهای رسمی و غیر رسمی این دو کشور بود و تصاویر سلام و احوالپرسی رسمی او با پادشاه و ملکه این کشور دست به‌دست می‌شد. پنجشنبه گذشته فیلمی از لحظه سلام قشقاوی به ملکه لتیزیا و «فیلیپ ششم» پادشاه این کشور، در مراسم سال نو منتشر شد که در آن سفیر ایران طبق تشریفات ایرانی، به ملکه این کشور سلام داد، اما طرفداران شاه و ملکه اسپانیا احوالپرسی او را بی‌احترامی به پادشاه کشورشان تعبیر کردند.

تصاویری که در توئیتر هم به اشتراک گذاشته شد، نشان می‌دهد که چگونه حسن قشقاوی با شاه اسپانیا دست داد و در مقابل ملکه این کشور هم دستانش را به نشانه احترام روی قلبش گذاشت و با تکان داد سر، تشریفات ایرانی مراسم‌های رسمی سفرا را انجام داد، اما واکنش‌ها مثل همیشه نبود. در رسانه‌های زیادی این تیتر دیده می‌شد: «بی‌محلی به ملکه لتیزیا با دست ندادن به او»!

«این تشریفات، ایرانی است»

گروه دیگری از رسانه‌ها ماجرا را شکل دیگری دیدند و نوشتند که «در ایران گذاشتن دست روی قلب و تکان دادن سر یا تعظیم خفیف، روشی مؤدبانه برای احوالپرسی مرد با زن به حساب می‌آید، اما برخی ناظران سلطنتی از عدم دست دادن گیج شده بودند.» او چگونه می‌توانست امتناع کند وقتی ملکه دستش را دراز نکرد؟ به‌علاوه او تعظیم محترمانه‌ای انجام داد. ما باید با اعمال و ارزش‌های یکدیگر آشنا شویم. به‌غیر از مردان، سفیران زن ایرانی هم هنگام تقدیم استوارنامه به روسای مرد دولت‌ها، به‌جای دست دادن به آنها، سلام تشریفاتی ایرانی را انجام می‌دهند و این موضوع در رسانه‌های این کشورها هرگز به معنی بی‌احترامی به روسای دولت‌ها مطرح نشده است.»

ماجرا به کانال‌ها و شبکه‌های اجتماعی اسپانیایی هم کشیده شد و بحث آن حداقل دو روز داغ بود. کار به‌جایی رسید که سفارت ایران در اسپانیا مجبور شد بیانیه‌ای بدهد و ثابت کند که این رفتار دیپلماتیک سفیران ایران در کشورهای مختلف است. داستان سلام قشقاوی در حالی در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی چرخید و پربازدید شد که سفارت ایران در تاریخ ۱۷ ژانویه مثل سال‌های گذشته به تشریفات کاخ سلطنتی اسپانیا توضیح داده بود که سفیر ایران بدون همراه در مراسم حضور خواهد داشت و مثل سال‌های قبل به دلایل تشریفاتی نمی‌تواند با ملکه دست بدهد. کارشناس رسمی تشریفات کاخ سلطنتی هم به رسانه‌ای اسپانیایی توضیح داد که این موضوع قطعا توضیح مذهبی داشته و هرگز به معنی بی‌احترامی به مقام و شخصیت زن آن‌هم در سطح ملکه یک کشور نیست.

ماجرای قشقاوی و آن دو عکس معروف

به‌غیر از ماجرای کاخ سلطنتی اسپانیا، نام قشقاوی دو بار دیگر هم در رسانه‌ها چرخید و برای موضوعی به‌غیر از سمت رسمی‌اش معروف شد. سال ۹۶ و در جریان سفر فدریکا موگرینی به ایران و حضورش در مجلس، تعدادی از نمایندگان مجلس با او سلفی گرفتند که داستانش همان زمان به شکل عجیبی حاشیه‌ساز شد. در میان کسانی که در مجلس با موگرینی عکس گرفتند، حسن قشقاوی هم حضور داشت. یکی از عکس‌های دسته‌جمعی نمایندگان با موگرینی را او گرفته بود که در آن زمان معاون کنسولی و سخنگوی وزارت خارجه بود.

قشقاوی، نادری و رئال‌مادرید

عکس معروف دوم که قشقاوی در آن حضور داشت، مربوط به سفر احمد نادری و رحیم زارع، نماینده‌های وقت تهران و آباده به اسپانیا بود. این دو نفر در این سفر تماشاگر بازی رئال‌مادرید با سویا در استادیوم بودند و قشقاوی هم کنار آنها حضور داشت. عکس یادگاری این سه نفر در استادیوم برایشان دردسرساز شد. نادری نوشته بود که برای «مردم‌نگاری» به استادیوم رفته بود و برخی هم با وسواس بسیار از او انتقاد کرده بودند که چرا حضور در استادیوم مختلط در ایران ممنوع است، اما ....؟

قشقاوی از آبان سال ۹۷ کارش را در این سمت شروع کرده و علاوه بر آن به‌طور همزمان نماینده ایران در سازمان جهانی گردشگری است. قبل از رسیدن به سفارت اسپانیا، قشقاوی سمت‌های سیاسی مختلفی را تجربه کرده است؛ از نمایندگی مجلس تا معاون وزیر. فعالیت‌های قشقاوی ۶۵ساله به‌عنوان یک سیاستمدار از نمایندگی مجلس در سال ۱۳۷۱ شروع شد و دو دوره در این سمت بود. بعد از نمایندگی مجلس هم کارش را در سیاست خارجی شروع کرد. او در ۲۶ سال گذشته به‌عنوان عضو کمیسیون سیاست خارجی، سفیر ایران در قزاقستان، مشاور وزیر امور خارجه، سفیر ایران در سوئد، کارشناس سیاسی اداره کل غرب اروپا، سخنگو و دستیار ویژه وزیر، معاونت کنسولی مجلس و ایرانیان مهاجر، مشاور ارشد وزیر امور خارجه، سفیر ایران در اسپانیا و سفیر ایران در سازمان جهانی گردشگری فعالیت می‌کرد. قشقاوی لیسانس حقوق شهید بهشتی است و دوره سطح حوزه علمیه قم را هم گذرانده.

سارا خادم‌الشریعه و یک ملاقات اسپانیایی

ماجرای دوم ایرانی- اسپانیایی هفته پیش مربوط به دیدار سارا خادم‌الشریعه، عضو سابق تیم ملی شطرنج ایران، با نخست وزیر این کشور است. او به‌تازگی و بعد از شرکت در مسابقات جهانی شطرنج سریع آماآی قزاقستان به اسپانیا مهاجرت کرده و خودش گفته بود که تصمیمی خانوادگی است. ملاقات با پدرو سانچز، نخست‌وزیر اسپانیا، در کاخ مونکلوا دومین اقدام خبرساز خادم‌الشریعه بعد از مهاجرتش است. سانچز بعد از این دیدار که جزئیات زیادی هم از آن منتشر نشده، در توئیترش نوشت که «امروز از زنی که برایم الهام‌بخش است، خیلی چیزها آموختم. من کاملا از زنان ورزشکار حمایت می‌کنم. الگویی مانند شما به بهتر شدن دنیا کمک می‌کند.»

سوژه روز

یک مدال و ۱۰ هزار دلار برای پروفسور

نادر انقطاع، برنده جایزه‌ای شده که پیش از این اینشتین و گراهام بل دریافت کرده بودند

موسسه بنجامین فرانکلین برندگان جایزه فرانکلین در سال ۲۰۲۳ را اعلام کرده و نام یک دانشمند ایرانی به‌نام نادر انقطاع در این لیست به‌چشم می‌خورد. این جایزه به‌خاطر دستاوردهای چشمگیر محققان و دانشمندان در کمک به بشریت به آن‌ها اهدا می‌شود و انقطاع هم در شاخه مهندسی الکترونیک این مدال را دریافت کرده است. نگاهی داشته باشیم به نادر انقطاع، دستاوردهای او و همچنین درباره جایزه‌ای که دریافت کرده است.

کسب ۴۲ جایزه و مدال

نادر انقطاع متولد تهران در سال ۱۳۴ است و به‌عبارتی ۶۷ سال سن دارد. او مدرک کارشناسی خود را از دانشکده فنی دانشگاه تهران گرفت و برای تحصیلات بیشتر در سال ۱۳۵۷ به آمریکا مهاجرت و کارشناسی ارشد و دکترای خود را از موسسه فناوری کالیفرنیا دریافت کرد. پروفسور انقطاع فیزیکدان و استاد دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا، به‌عنوان یکی از پیشگامان فیزیک فراماواد و اپتیک در جهان شناخته می‌شود و در حال حاضر استاد دانشکده «تدویل رمسی» در دانشگاه پنسیلوانیای آمریکاست. او با دانشکده‌های مهندسی برق و سیستم‌ها، مهندسی پزشکی، فیزیک و نجوم همکاری دارد و بنیان‌گذار حوزه متاترونیک نوری است؛ شاخه‌ای که نانوالکترونیک و نانوفوتونیک را با یکدیگر ادغام کرده است. انقطاع یکی از ۹ نفری است که امسال به دلیل دستاوردهای فوق‌العاده‌اش در رهبری علمی، مهندسی و تجاری موفق به دریافت جایزه بنجامین فرانکلین شده است.

تحقیقات این دانشمند در زمینه فراماواد و نقش نور در نانوتکنولوژی، بر رشته‌های متعددی از نجوم و علوم کامپیوتر گرفته تا پزشکی و فنون ارتباطات تأثیر گذاشته است. انقطاع در زمینه الکترومغناطیس، موفق به دریافت مدال طلای SPIE، جامعه بین‌المللی حرفه‌ای در اپتیک و فوتونیک کاربردی، در سال ۲۰۱۵ شده است. این مدال بالاترین نشان اهدایی SPIE محسوب می‌شود. از جمله افتخارات دیگر او جایزه «جرج هیلمیر» برای تحقیق برتر در سال ۲۰۰۸ و جایزه محقق جوان بنیاد علوم ملی ایالات متحده در سال ۱۹۸۹ است. در سال ۲۰۲۰ نادر انقطاع به‌عنوان برنده جایزه معتبر و بین‌المللی «ماکس بورن» توسط انجمن اپتیک OSA برگزیده شد و در همین سال موفق شد مدال اسحاق نیوتن را هم به‌دست آورد. به‌طور کل او ۴۲ جایزه از سال ۱۹۸۹ دریافت کرده است.

برادر او ناصر انقطاع، قبل از انقلاب در هفته‌نامه‌ها و روزنامه‌های متعدد، مطالب طنز و سیاسی می‌نوشت. در اوایل انقلاب همراه با انقلابیون فعالیت می‌کرد و حتی در انتخابات خبرگان قانون اساسی هم به‌عنوان نامزد انتخاباتی شرکت کرد اما آرای کافی به‌دست نیاورد. بعد از آن در نشریه‌های مختلف فعالیت کرد اما در آخر به دلیل نوشتن مطالب ضدانقلاب از کشور گریخت و پناهنده آمریکا شد. ناصر انقطاع تیرماه سال ۱۴۰۰ در لس‌آنجلس درگذشت.

یک جایزه بشردوستانه

اولین باری که سازمان جوایز فرانکلین یک جایزه به یک دانشمند اهدا کرد، ۱۹۸ سال پیش بود. این جایزه یک جایزه بشردوستانه است و یکی از قدیمی‌ترین جوایز در حوزه علم و فناوری در آمریکا و دنیاست. پیش از این افرادی مثل اینشتین، تسلا، پیر و ماری کوری، اورویل رایت (یکی از برادران رایت) و الکساندر گراهام بل موفق به دریافت این جایزه شده بودند. بیل گیتس هم ازجمله افراد شناخته شده قرن بیست و یکم است که این جایزه را از آن خود کرده. نادر انقطاع هم جزو یکی از این برنده‌ها قرار گرفته و قرار است روز پنجشنبه ۲۷ آوریل امسال ۱۰ هزار دلار افتخاری و یک مدال ۱۴ عیار دریافت کند.

سنون‌شنبه

یا مرا ببر به خانه‌تان، یا بیا به خانه ما

ادامه از صفحه ۱۰

دارد سگ لرز می‌زند و دندان‌هایش به‌هم می‌خورد. عجالتا بی‌بربری، برمی‌گردم خانه و می‌گویم یک پتوی گلبرز قدیمی پشم داشتیم؟ آن را بده ببرم. زنم می‌گوید پتو می‌خواهی چیکار؟ بالاخره به آرزوی دیرینه‌ات که کارتن‌خوابی بود رسیدی؟ پتو را با حرص و فحش می‌چپاند توی یک نایلون مشکی بزرگ، می‌دهد دستم. می‌برم سه‌راه و می‌اندازم روی پیرمردی کذایی که ریشش قندیل بسته و چانه‌اش می‌لرزد. با چشمان باباقوری‌اش ازم تشکر می‌کند. از آن‌ور خیابان برمی‌گردم نگاهش می‌کنم پتوی پلنگی‌ام زیر نور چراغ‌های سه‌راه طالقانی، دارد عین قالی ابریشم می‌درخشد. می‌روم تا بربری قاسم گلی. برگشتنی از دور نگاه می‌کنم ببینم پتویم سر جایش هست و پیرمرده سلامت است؟ اما نیمکت فلزی سه‌راه خالی است و دیگر پتویم از دور نمی‌درخشد. نزدیکتر می‌شوم. می‌بینم پیرمرده با همان وضع قبل از پتو، دراز کش افتاده و باز لحاف مندرس‌اش را رویش کشیده و دارد سگ‌لرز می‌زند. می‌گویم مشدی پس چی شد پتو؟ می‌گوید فروختم دادم موات. می‌گویم ارزون نمی‌فروختی‌ها. از اون پلنگی‌های قدیمی تمام پشم بود. می‌گوید «نه، خاطرجمع باش. می‌گویم حالا جی می‌زنی؟ می‌گوید «لاکردار تلخکی که قیمتش یکهو شد شش برابر. مجبورم از این آت و آشغال‌های قر و قاطی بزنیم». می‌گویم خسته نباشی و برمی‌گردم خانه. تلویزیون را روشن می‌کنم.

الحمدالله همه‌چیز بر وفق مراد است. مدیران و مشاوران و مباشران و مجری‌ها خوش‌خوشان‌شان هست؛ «ما داداش شوخی نیست، یک میلیون بیکار را کار دادیم امسال. قیمت دلار هم که کاذب است.» همچنان در نقش حمالباشی می‌نشینم مقابل تلویزیون و برفک‌ها را نگاه می‌کنم که دانه دانه آب می‌شوند اما با این وضع، آب ما نصف‌شب‌ها قطع می‌شود. چطور آب وزرا و مجری‌ها قطع نمی‌شود نصف‌شب‌ها؟

۴ دارم می‌روم برای قمری‌های توی تراس‌مان که صبح‌ها زابه‌راه‌مان می‌کنند از بهار یک کیلو ارزن بخرم. الحمدالله خوراک آنها ارزن، ارزان است و می‌توان با بیست سی تومن یکی دو هفته سیرشون کرد و باز صدای زندگی‌ساز بغبغوشان را شنید. جلوی سوپری، پسربچه بسیار زیبایی دفتر مشق‌اش را باز کرده جلویش و در حین نوشتن، چشمش هم به ترازویش هست که بغل دستش است. دارم ارزن را می‌ریزم توی مشمای مشکی که زنی پیچیده در چادرسیاه که صورتش زیاد مشخص نیست می‌گوید «آقا ببخشید فضولی نباشه، ارزن برای چی می‌خری؟» می‌گویم خب، برای کفترها و قمری‌هایمان. می‌گوید به نظرتان انسان گرسنه را اگر سیر کنیم مفیدتر است یا قمری را؟ می‌گویم «چه ربطی دارد خانم. هر دوشان را.» می‌گوید الان همان ۳۲ هزارتومنی که برای ارزن قمری دادی می‌تواند چل چندتا تافتون و بربری برای زندگی‌ام باشد. می‌گویم با همین سی و دوی ارزن؟ می‌گوید بله با همین ۳۲ ارزن. بچه سرش را انداخته پایین و دارد نوک مدادش را با دندانش می‌جود که مادرش مرا ول کند.

دیگر نفهمیدم چه شد و چه نشد که بالارزن و بی‌ارزن، برمی‌گردم خانه و تلویزیون را روشن می‌کنم. الحمدالله همه‌چیز گل و بلبل است. یک مسئول دارد خبرهای خوب خوب در حوزه اقتصاد می‌دهد. مجری‌ها کیف‌شان کوک می‌شود و خوش‌خوشان‌شان می‌شود که بیکارها را یکی‌یکی فرستادند دنبال کار و برای تک‌تک ملت خانه می‌سازند و گاز هم اصلا گران نشده است و قیمت دلار هم کاذب است و هوای آلوده تهران ساخته دشمن است و آب‌هایمان نصف‌شب قطع نمی‌شود.

۵ من دیگر به این نتیجه رسیده‌ام که ما به‌عنوان شهروندان این سرزمین خیالی و مدیران ما به همراه وزرا و مشاورین و مباشرین و مجری‌های تلویزیونی، اساسا در یک مملکت زندگی نمی‌کنیم. یا آنها زنده‌اند و ما مرده یا برعکسش. یا آنها در خیالات‌شان سیر می‌کنند یا ما در توهمات‌مان. اصلا جهان موازی ما به همدیگر نمی‌خورد. انگاری که ما معاصر همدیگر نیستیم. قدیم‌ها اینجور وقت‌ها مردم شعری می‌خواندند که «یا منو ببر به خونه‌تون یا بیا به خونه ما». به نظرم حالا هم یا ما برویم خانه آنها یا آنها قدم‌رنجه کنند خانه ما. اینطوری که همزمان در دو مملکت جدا گانه اما با مختصات مشترک زندگی کنیم بیشتر به هیچکدام از دو طرف نمی‌آید. از همه مهم‌تر اینکه واقعا می‌خواهم بدانم آیا آنها هم نصف‌شب‌ها آب‌شان قطع می‌شود؟ من به لاخ موی سیملم قسم می‌خورم که آب ما نصف‌شب‌ها قطع می‌شود. می‌دانم قطع شدن آب آدم در نصف‌شب مشکل خاصی نیست اما خوب بالاخره باید با چیزی مطلبم را تمام می‌کردم دیگر!

تیتر یک

فاطمه رجبی

معمای ۴۰ هزار میلیارد تومانی

به تا حال چند بار روپا یافته‌اید که ناگهان به یک روش عجیب‌وغریبی صاحب یک پول هنگفت بشوید؟ مثلا یکهو از یک جایی به اشتباه یک پول زیادی به حسابتان واریز شود و کسی هم بعدا سراغ پول را نگیرد! خب این اتفاق در روزهای اخیر برای چندین نفر افتاده آن هم نه یک میلیون و دو میلیون یا حتی یک میلیارد و دو میلیارد بلکه ۴۰ هزار میلیارد تومان! یعنی حدود یک میلیارد دلار! تقریبا معادل ثروت دونالد ترامپ و کمپانی اش ! بله عدد خیلی بزرگی است، آنقدر بزرگ که وقتی پیامک واریزی این مبلغ از طرف بانک آینده برای این افراد آمده اغلب آنها موفق نشده‌اند به راحتی عدد واریزی را بخوانند و از بقیه کمک گرفته‌اند. روایت بعضی از آنها که رسانه‌ای شده و یکی که با هفت صبح گفت‌وگو کرده جالب است و البته بعضی جزئیات نه چندان زیاد ماجرا و توضیح بسیار کوتاه بانک آینده در مورد دلیل این اتفاق.

داشتم سکته می‌کردم

یکی از زنانی که شانس داشتن ۴۰هزار میلیارد تومان در حسابش را داشته این خوشبختی کوتاه را اینطور برای ما توصیف می‌کند: «راستش اول فکر کردم پیامک تبلیغاتی است اما هرچه دقت کردم دیدم دقیقا با سرشماره بانک آینده است که بقیه پیامک‌های برداشت و واریزم با همان می‌آید، حتی فکر کردم شاید خود بانک آینده برایم پیامک تبلیغاتی فرستاده که مثلا شاید اگر فلان کار را بکنی برنده این مبلغ بشوی اما باز هم بیشتر دقت کردم، نمی‌توانستم در صد در صد را بخوانم. اول فکر کردم ۴ میلیارد است بعد فکر کردم ۴۰۰ میلیارد است بعد دیدم نه تعداد صفرها خیلی بیشتر است. اینجا بود که ترسیدم. گفتم نکند یکی مشغول سوءاستفاده از کارت من است. رفتم چک کردم دیدم کارت سر جای خودش داخل کیفم است. چون شب بود نمی‌توانستم بروم بانک. برای اینکه امتحان کنم سقف جابه‌جایی آنلاین را با کارتم انجام دادم و شد! آنقدر موجودی حسابم زیاد بود که وقتی سقف انتقال وجه را انجام دادم عدد موجودی چندان تغییری نکرد. همسرم گفت فورا و همین حالا کارتت از طرق موبایل بانک بسوزان اما راستش ترسیدم. داشتم سکته می‌کردم. اگر بگویم از ذهنم نگذشت که یک درصد این پول می‌تواند متعلق به خودم باشد دروغ گفته‌ام اما بیشتر ترسیده بودم. نگران بودم که در گیر یک کلاهبرداری بزرگ بشوم. اصلا روی پا بند نبودم. به یکی از دوستانمان که وکیل است تلفن کردیم و ماجرا را گفتیم. گفت دست نگه دارید و صبح به شعبه مرکزی بانک آینده بروید ببینید ماجرا از چه قرار است اما همین حالا پولی که برداشت کرده‌اید برگردانید. ما هم همین کار را کردیم. آنقدر نگران و ترسیده بودیم که حتی فکر کردیم همان موقع شب بلند شویم برویم کلانتری ماجرا را بگوییم چون همسرم می‌گفت لابد این پول شبانه واریز شده تا بانک بسته باشد و تا صبح هر اتفاقی قرار است بیفتد اما باز هم در نهایت تصمیم گرفتیم صبر کنیم ببینیم چه اتفاقی می‌افتد. با بدبختی خوابیدیم. تا صبح چندبار بیدار شدم چک کردم ببینم اتفاقی که افتاده خواب بوده یا واقعا این مسیج برای من آمده اما صبح هم پول سر جایش بود. رفتیم شعبه گفتند بررسی می‌کنند. بعد حساب ما را مسدود کردند و حساب هنوز هم مسدود است. گفتند اگر کار واجبی با حساب بانک آینده دارید یک حساب دیگر باز کنید تا تکلیف این ماجرا روشن بشود. البته اول گفتند که پیامک اشتباهی بوده و اصلا چنین پولی جابه‌جا نشده اما وقتی من گفتم که مقداری از پول را جابه‌جا کرده‌ام و بعد برگردانده‌ام سر جایش گفتند که بررسی می‌کنند اما لازم نیست نگران باشم چیز خاصی نیست.» او در جواب اینکه الان چه احساسی دارد؟ می‌گوید: «راستش دقیق نمی‌دانم. هنوز خیالم راحت نشده و می‌ترسم که درگیر ماجرای مهم و بدی شده باشم. در این مدت بعضی‌ها به ما می‌گویند که درگیر پولشویی شده‌اید و حتی ممکن است در سطح بین‌المللی برایتان اتفاقی بیفتد و مثلا مسئلان وارد یک تجارتی که در آن حضور ندارید شده باشد. خیلی‌ها هم می‌گویند که باید از بانک آینده شکایت کنیم تا دقیقا معلوم شود چه اتفاقی افتاده و بعدا خطری ما را تهدید نمی‌کند اما ما فعلا دست نگه داشته‌ایم تا ببینیم چه اتفاقی می‌افتد.» او در مورد وسوسه برداشتن از پول هم می‌گوید: «چرا دروغ؟ من واقعا چندباری به ذهنم رسید که اگر این یک اشتباه بزرگ باشد و ما هم به روی خودمان نیاوریم چه می‌شود؟ همان شب که تا صبح درست نخوابیدیم چندباری به این موضوع فکر کردم اما مبلغ طوری بود که امکان نداشت پیگیری نشود، حتی فکر کردم آن مبلغ که به صورت آنلاین منتقل کرده بودیم را برنگردانم چون واقعا در برابر ۴۰هزار میلیارد هیچ بود و اصلا به چشمم نمی‌آمد اما باز هم ریسک نکردم چون رقم آنقدر گنده بود که بانک از کنار آن راحت نمی‌گذشت و من نمی‌خواستم درگیر آن بشوم.»

این پول را خرج کرمان کنید

عجیب است اما کسانی که پیامک واریز ۴۰هزار میلیاردی گرفته بودند تعدادشان یکی دو تا نبوده و وقتی خبر پیچید چندین نفر در شبکه‌های اجتماعی با انتشار عکس و ویدئو از پیامک‌هایشان نشان دادند که این اتفاق برای آنها هم افتاده است. تعداد این افراد فعلا به طور دقیق روشن نشده است. روایت یکی از اهالی کرمان که این پیامک را دریافت کرده هم جالب است. او گفته که کربلا بوده و دقیقا پیامک را وقتی دریافت کرده که زیر گنبد طلای امام حسین (ع) نشسته بوده و فکر کرده خیالات می‌کند و چنین چیزی واقعی نیست. برای همین از چند زائر دیگر هم خواسته که پیامک را نگاه کنند ولی آنها هم تایید می‌کنند که ۴۴هزار میلیارد تومان به حساب او واریز شده است.

او هم از لحظه دریافت این پیامک خواب نداشته و با خودش فکر کرده شاید این پول برای کار خاصی بوده و حالا اشتباهی سر از حساب او درآورده مثلا شاید پول کسانی بوده که در انتظار وام ازدواج هستند. این شهروند کرمانی البته تاکید کرده که حتی یک لحظه هم به فکر برداشت از این پول نیفتاده و در آخر هم پیشنهاد کرده که اگر این پول بی‌صاحب است و معلوم نیست از کجا آمده بهتر است برای خود کرمان و مناطق محروم آن هزینه شود اما بعید است بانک آینده پیشنهاد او را قبول کند. شهروند دیگری هم گفته که مبلغی از پول را منتقل کرده تا به واقعیت بودن این اتفاق رویایی پی ببرد اما حالا بانک آینده حساب‌ها را مسدود کرده و این رویا از دست رفته است.

ماجرا چه بوده؟

بانک آینده هنوز درباره اینکه دقیقا چه اتفاقی افتاده که ناگهان چندین نفر یا حتی چندین هزار نفر در ایران مولتی میلیاردر شده‌اند توضیح نداشته است. از شکل توضیحات روابط عمومی این بانک طوری بر می‌آید که انگار برای مسئولان خود بانک هم ماجرا روشن نیست و حتی تعداد حساب‌هایی که این اتفاق برایشان افتاده هم معلوم نیست. البته روابط عمومی بانک گفته که پولی منتقل نشده بلکه پیامک اشتباهی ارسال شده است اما این با ادعای کسانی که می‌گویند مقداری از پول را جابه‌جا کرده‌اند همخوانی ندارد. در اطلاعیه‌ای که بانک منتشر کرده هم آمده: «اخیراً برخی از مشتریان بانک آینده پیامکی گویای واریز مبلغی به حساب خود دریافت کرده بودند که موضوع، ناشی از خطای سیستمی بوده؛ از سوی دست‌اندرکاران فنی بانک آینده و شرکت خدمات‌دهنده مرتبط، با بالاترین سرعت و بدون هیچ آسیب و هزینه‌ای برای گیرندگان پیام، پایان یافته است. بانک آینده همواره در حفظ اعتبار نزد مشتریان عزیز خود، نهایت اهتمام را داشته و آن را در صدر سرمایه‌های خود می‌داند.»

اما این اطلاعیه هم نتوانسته به پیچ‌پیچ‌ها خاتمه بدهد و حتی عده‌ای در شبکه‌های اجتماعی می‌گویند مدعی‌العموم باید به ماجرا ورود کند. یکی از موضوعاتی که کل ماجرا را جالب‌تر می‌کند متن پیامک است که می‌گوید این رقم ابتدا از سوی یکی از وام‌گیرنده‌ها به عنوان اولین قسط وام برای بانک واریز شده اما چون واریز موفق نبوده پول به حساب دارنده حساب برگشت خورده است. این موضوع باعث شد که خیلی‌ها بپرسند اصل مبلغ وام چقدر بوده که اولین قسط بازپرداختش ۴۴هزار میلیارد تومان بوده است؟ از طرفی بعضی‌ها هم می‌گویند که همین موضوع نشان می‌دهد که کل ماجرا بیشتر به یک اشتباه در ثبت عددها بر می‌گردد و تصور اینکه ۴۰هزار میلیارد تومان قسط یک تسهیلات بوده ممکن نیست. ماجرا هرچه که هست بعید به نظر می‌رسد بانک آینده علاقه‌ای به روشن کردن بیشتر آن داشته باشد.

نوبت اول
شناسه آگهی : ۱۴۴۷۰۲۶
سازمان خصوصی‌سازی
«خلاصه آگهی عرضه عمومی سهام شرکت فرهنگی ورزشی استقلال ایران»
سازمان خصوصی‌سازی در نظر دارد به استناد قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، مصوبه هیئت واگذاری و سایر قوانین و مقررات مربوطه، سهام شرکت فرهنگی ورزشی استقلال ایران با شرایط مندرج در جدول زیر را با رعایت «دستورالعمل اجرایی روش انتخاب مشتریان راهبردی (استراتژیک) و احراز و پایش اهلیت مدیریتی در واگذاری‌ها» و از طریق فرابورس عرضه و واگذار نماید.

تعداد سهام	درصد سهام	ارزش کل پایه (ریال)	شرایط تسویه ثمن معامله				تاریخ عرضه
			میزان حصه نقدی	مدت اقساط (سال)	فاصله اقساط (ماه)	مدت تنفس در پرداخت اولین قسط	
۵،۵۰۳،۴۸۶،۵۰۰	۵۱	۲۳،۸۶۸،۶۲۰،۹۵۰،۵۰۰	۲۰٪	۶	۶	یک سال	مطابق اطلاعیه فرابورس

«آگهی عرضه عمومی سهام» (نسخه تکمیلی) در پایگاه اینترنتی سازمان خصوصی‌سازی به نشانی www.ipo.ir (قسمت آگهی‌های عرضه) در دسترس می‌باشد.
م الف ۴۲۶۳